

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شبهانگ راد

۲۲ دسمبر ۲۰۱۶

## دنیای مجازی و جایگاه وظایف کمونیستی

همزمان با رشد و گسترده‌گی ارتباطات مابین میلیون‌ها انسان در سرتاسر جهان از طریق دنیای مجازی، همزمان با نقش و اهمیت این ابزار در اشاعه و پخش اعتراضات و رویدادهای اعتراضی کارگران و زحمت‌کشان، و همزمان با آگاهی و گردآوری انبوهی از اطلاعات و دانش، متأسفانه و به‌موازات آن‌ها، ما شاهد درک بنادرست جایگاه کمپیوتر پیرامون نقش آفرینی و انجام وظایف کمونیستی از جانب مدعیان راه رهایی از زیر یوغ نظام‌های سرمایه‌داری می‌باشیم. بدون شک در وصف جایگاه پراتیک کمونیستی و همچنین در وصف استفاده از ابزارهای فرعی مبارزه همچون اینترنت، هزاران مقاله و نوشته وجود دارد، اما و به جرأت می‌توان گفت، که هیچ‌یک از آن جمعبندها و راه‌ها، ارتباطی با هم‌دیگر ندارند و در خدمت به رشد و بالندگی مبارزات کارگری - توده‌نی نیستند. دلیل آن به فهم یک‌یک‌مان از دنیای مجازی همچون شبکه‌های کسب و مبادله اطلاعات، پالتاک، مسنجر و غیره، بر می‌گردد. ابزار و یا وسائلی که، مسلط بر ابزارهای اصلی انقلاب شده‌اند، قدم به‌قدم، بر جوهره و بر شیرازه جنبش‌های کمونیستی، اثر بس مخربی بر جای گذاشته‌اند. بنابه چنین حقایق تأسف‌باری، نه فقط طبقه سرمایه‌داری و جهان‌ظالمان، از کاربست و از پی‌گیری مخالفان طبقاتی خود، از این‌دست ابزارها، مخالف نیستند، بلکه بسیار هم خشنود اند. چرا که می‌دانند، نه تنها تمرکز دائمی و روزانه بر این نوع وسائیل، از سوی عناصر و نیروهای کمونیستی، مشکل ساز، و پُر دردسر نیستند بلکه مفید هم می‌باشند؛ می‌دانند، که چرخه دنیا، در چرخه سیاست‌های‌شان، در گشت و گذار است و کمترین تناسب و یا هارمونی، مابین خواسته‌ها و آرمان به پاخاستگان و حامیان آنان ندارد. آری این درد، کهنه و مزمن شده است و دورنمایی، از جا به‌جائی آن متصور نیست. در هر صورت سؤال این است که آیا بسنده کردن و یا چسبیدن به جعبه‌های ابداعی - و به باور من جعبه‌های بی‌هویت و بدون ارتباط زنده با جنبش‌های اعتراضی -، می‌تواند، یگانه ابزار مناسب برای برون‌رفت از اوضاع زندگی درهم ریخته دردمندان، درک بنیادی از عواملان و مسببان مصائب اجتماعی و همچنین بسیج میلیون‌ها انسان محروم علیه حاکمان و استثمارگران باشد؟

البته و بدون کمترین شک و تردیدی، جواب سؤالات فوق را به سادگی می‌توان، در تکیه مطلق به این‌نوع وسائیل، در قد و قواره و مهمتر از آن‌ها در میادین انتخابی، و کز کرده به اصطلاح مدافعان تغییر زندگانی توده‌های ستم‌دیده از زیر سلطه نظام‌های سرمایه‌داری یافت. موجود است که "سازمان‌ها" و "احزاب" مدعی هدایت مبارزات کارگری و توده‌نی، کوچک و کوچک‌تر، و به دنباله چشم‌اندازی در قد کشیدن و یا بزرگ شدن‌های‌شان نیست؛ اما و در عوض،

بلندپروازی‌ها، مبالغه‌گویی‌ها و منمیت به وفور در پیکر نحیف همه - و آن‌هم با هر قد و قواره و جثه‌ای -، جا باز می‌کند. آشکار است که همه به چنین وضعی راضی‌اند و همه، افسار "انقلابی" خود را به دست صاحبان جعبه‌های غیر بسیج و منفعل کننده سپرده‌اند؛ آشکار است که "فعالیت" روزانه یکایک‌مان، بسته به همت و یا به گشاده‌روئی قدرت‌مداران و کنترل‌کنندگان ابزارهای غیر زنده دارد. به طور مثال قطع روزانه کامپیوتر و دیگر شبکه‌های ارتباطی، برابر با خوابیدن و منفعل شدن مخالفان طبقاتی سرمایه‌داران و استثمارگران است. چرا که میزان، حد و حدود و همچنین استفاده از دنیای مجازی، و آن‌هم به‌عنوان یگانه روش ارتباطی - فعالیتی، مبین این واقعیت است که اتخاذ چنین متد و روشی، نه بر گرفته از درک قانون‌مندی‌های حاکم بر جامعه، بل کرنش در برابر وضع موجود و بازی در میادین تعیین شده سرمایه است. در بستر چنین اوضاع تأسف باریست که، ما شاهد داد و فغان بعضاً مدافعان "پرولتاریا" می‌باشیم مبنی بر این‌که "ادمین‌های‌شان، - در "اقدامی" بهموقع و با "درایت و هوشیاری کمونیستی" - مخالفان خود را اخراج می‌نمایند، و از اتاق‌های "سازمانی" و یا "حزبی"‌شان به بیرون پرتاب می‌کنند؛ بدون این‌که بر این موضوع واقف باشند که پیشاپیش و قبل از بازگشائی در اتاق‌ها، توسط "ادمین"ها و یا نمایندگان‌شان، رژیم‌های سرمایه‌داری و دیگر دم و دستگاه‌های مخوف‌شان، در آن، جا خوش کرده‌اند و در تدارک سازمان‌دادن، کنترل و گفت و شنود یکایک آنان می‌باشند.

مسلماً نیازی به بازگویی و یا ارائه تجارب بیش از این، در این عرصه نیست و هر یک، حامل صدها نمونه از قطع و وصل شدن‌ها، یک و دو زدن‌ها، و یا چفت نمودن کامل در اتاق‌های‌شان از جانب صاحبان و سازمان‌دهندگان اصلی آن می‌باشند. مگر می‌شود و یا این‌که می‌توان از کانال‌ها و یا از ابزارهای انتخابی و کنترل کننده سرمایه، اعتراض، جنبش و یا انقلابی را سازمان داد و مردم را از این وضعیت بدر آورد؟ به کدامین نمونه تاریخی می‌توان استناد نمود که مسیر آلوده جامعه، با چنین ابزارهایی تغییر یافته است؟ تا به‌حال کدام تجمع، سازمان و یا حزب نوینی، با استفاده از چنین ابزارهایی توانسته است، در مقابل سیاست‌های سرکوب کننده سرمایه قد علم کند و توجه و نگاه هزاران انسان و توده‌های ستمدیده را به سمت سیاست‌های مبارزاتی - کمونیستی‌اش جلب نماید؟

سرکوب و پس زدن ممتد جنبش‌های کارگری - توده‌ئی، شناسائی، کشف و دستگیری مخالفان و بگیر و ببندهای فله‌ئی از جانب ارگان‌های مسلح و اطلاعات مخوف سرمایه توسط کامپیوترها، مبین این حقیقت است که این‌دست وسائل، نه تنها در خدمت به رشد بنیان‌های مبارزاتی آزادیخواهان و مدافعان حقیقی توده‌های ستمدیده نیست، بلکه سد و گمراه کننده و همچنین حامل جدائی مابین جنبش‌های اعتراضی با حامیان و نمایندگان سیاسی‌شان می‌باشد. پُر واضح است که سرمایه ابزار خود را دارد و در مقابل، عنصر و نیروی مدافع کارگران و زحمت‌کشان هم، بایست و می‌باید با ابزارهای منطبق بر قانونمندی‌های حاکم بر جامعه، به میدان آیند. به بیانی روشن تر، نمی‌توان در میادین انتخابی سرمایه‌داران، پرچم سازمان و انقلاب را علم نمود و سازمان‌های مسلح و درنده آنان را، از جان و مال میلیون‌ها انسان دردمند پس زد. بی‌گمان پاسخ سازمان وابسته به مردمی، در ارتباط زنده، فعال و در هم‌سوئی و در هم‌پاری عملی با جنبش‌های اعتراضی گرسنگان است. به کُنج خزیدن، خُو گرفتن و وصلت ابدی با جعبه‌های به اصطلاح انبوهی از "دانش و اطلاعات"، به‌معنای "مبارزه" تمام عیار با جانین بشریت نیست و خلاف پی‌گیران و باورمندان عملی به روش‌های انتخابی سرمایه، ادامه آن، چیزی جز بی‌وظیفگی عملی - کمونیستی، به انحراف کشاندن و به عقب‌راندن جنبش و خواسته‌های پایمال شده کارگران و زحمت‌کشان نیست.

خلاصه شناخت از میزان هوشیاری سرمایه‌داران و به دنباله انتخاب ابزارهای متضاد با ابزارهای تحمیلی سودجویان، می‌تواند، شرایط و جو کنونی را متغیر سازد و بر پتانسیل و بر بالندگی جنبش‌های اعتراضی بیفزاید. باید مبلغ این ایده

بود که از کانالِ کمپیوتری و دیگر شبکه‌های ارتباطی، و یا با "اتحاد رسانه‌ئی" نمی‌توان، ارگان‌های سرکوبگر نظام‌های امپریالیستی را دور زد و بر وظایف کمونیستی خویش جامه عمل پوشاند. به همین دلیل لازم و به‌جاست، تا این‌دست ابزارها را در خدمت به ابزار اصلی مبارزه و بسیج کننده قرار داد و جنبش را از حالت سکون و بی اثر، به جنبش سر زنده و اثرگذار تبدیل نمود. در حقیقت تقدم و تأخر در سیاست و همچنین انتخاب جایگاه مبارزاتی توأم با ابزارهای مناسب، کارآمد و امن، از زمره ملزومات اولیه کاری هر عنصر آگاه، روشن‌فکر، سازمان و حزب مدعی هدایت کارگران و زحمت‌کشان به حساب آمده و می‌آید؛ سیاست و ابزاری که متأسفانه دهه‌هاست، به حاشیه رانده شده‌اند و در عوض، روش‌های فرعی، ناکامل و کشف کننده، به‌جای آن‌ها نشسته‌اند.

۲۱ دسمبر ۲۰۱۶

۱ دی [جدی] ۱۳۹۵